



هم قدم

هوای نامطبوع خیابان شهید اندرزگو، زائر و مجاور را آزار می دهد

کانال آب، منشأ بوی بد فلکه آب

و نا هم سطح کرده است. سید محمد حسین با غدار حسینی توضیح می دهد: باید اعتبار باشد تا این کانال لای رویی و قسمت هایی از آن بازسازی شود. نکته بعدی که رئیس اداره عمران و حمل و نقل به آن اشاره می کند، این است که این معبر طرح ملی دارد و هنوز طرح آن در اداره ترافیک مانده و آماده نشده است. با غدار می گوید: از باب الرضا^(ع) تا باب الجواد^(ع) سنگ فرش خواهد شد و باقی آسفالت است. در آن طرح اصلاح زیرساخت هایی مانند کانال آب های سطحی نیز دیده شده است.

● با متخلفان برخورد می شود

به سراغ رئیس اداره خدمات شهری هم می رویم تا درباره آب میوه فروشی هایی بی رسیم که شیرابه زباله شان را داخل کانال آب های سطحی می ریزند. رحمان اسعدی با تأکید بر اینکه کانال های خیابان شهید اندرزگو میدان بیت المقدس هر هفته شست و شومی شوند، می گوید: دو مورد تخلف در میدان بیت المقدس داشتیم که به آن ها اخطار دادیم و پرونده شان را به مرکز بهداشت معرفی کردیم. در خیابان شهید اندرزگو نیز با متخلفانی که شیرابه بتنی شان را در کانال ها ریخته بودند، برخورد کردیم و مالکان پروژه جریمه شدند.

رئیس اداره خدمات شهری با اشاره به اینکه بخشی از این بوی بد مربوط به کانال های خیابان امام رضا^(ع) است و به منطقه ثامن مربوط نمی شود، افزود: بازدید های مستمر ما همچنان ادامه دارد. در عین حال، از مردم می خواهیم هر تخلفی را به ما گزارش دهند تا به سرعت با آن برخورد شود.

می داند و می گوید: شما خودتان را جای مشتری بگذارید. دلتان می خواهد جایی که بوی بد باشد، وقت بگذارید و در بازار خرید کنید؟ محمد عظیمی، یکی از کسبه بازار فرش خیابان شهید اندرزگو می گوید: هر وقت با شهرداری تماس می گیریم، می گویند بواز جای دیگری است، در صورتی که کاملاً مشخص است از کانال هایی می آید که همین چند سال پیش ساختند.

● کانال نیاز به بازسازی دارد

رئیس اداره عمران و حمل و نقل در پاسخ به این مشکل مردمی می گوید: از حدود دو سال پیش، در زمان اجرای چند پروژه شخصی، در کانال جمع آوری آب های سطحی خیابان شهید اندرزگو که سال ۱۳۹۸ احداث شد، شیرابه بتن ریخته شده که کانال را تا حدودی مسدود



نجمه موسوی کاهانی افلکه آب و خیابان شهید اندرزگو یکی از مسیرهای اصلی رفت و آمد زائران حرم رضوی است که سالانه میلیون ها نفر از آن عبور می کنند تا از ورودی های باب الرضا^(ع) و باب الجواد^(ع) وارد حرم مطهر شوند. این تردد میلیونی باعث می شود کوچک ترین مشکل، برای تعداد زیادی از شهروندان و زائران دردسرساز شود. یکی از مشکلاتی که مردم در دو سال گذشته به بارها مطرح کرده اند، بوی بد کانال های فاضلاب در حوالی این میدان و خیابان شلوغ است که مهمان ناخوانده شده است.

● کاسبی غیر بهداشتی!

سید جعفر حسینی، یکی از افرادی که به خاطر کارش هر روز گذرش به بازارهای این اطراف می افتد، می گوید: هر وقت به فلکه آب می رسیم و می خواهیم رو به حرم بایستیم و سلامی بدهیم، بوی نامطبوعی که در هوا پیچیده است، مجبورمان می کند زود از این خیابان عبور کنیم.

حسینی به آب میوه فروشی های اطراف میدان اشاره می کند و ادامه می دهد: بسیاری از این مغازه ها، شیرابه زباله شان را در کانال های آب خالی می کنند و عامل بوی بد هستند. زائری که در حال و هوای معنوی خودش است، با این بوی بد نمی تواند اینجا بایستد.

● فرار مشتری از بازار بدبو

جواد محتشم، یکی از کسبه خیابان شهید اندرزگو، بوی بد را باعث کساد ی بازار

همسایه به همسایه، کوچه وحدت ۱۳، دیدار پانزدهم

در عروسی و عزا کنار هم هستیم

نجمه موسوی کاهانی در کوچه وحدت ۱۳ هیچ کس کارش لنگ نمی ماند. چون هر کدام از همسایه ها هر کاری از دستشان بر بیاید، برای دیگری انجام می دهند. از هر صنفی هم در این کوچه زندگی می کنند و اهالی محل کارهایشان را به افراد ناشناس واگذار نمی کنند. اولین کاسبی که محلی ها به ما معرفی می کنند، محسن حامد صباغ، لبنیاتی محله، است و او هم مهدی ربانی و غلامرضا اسماعیلی مقدم را به ما معرفی می کند که در آشپزی و مداحی دستی بر آتش دارند و هر وقت بتوانند، کار اهالی را راه می اندازند.

● محسن آقا، آچار فرانسه محله

محسن حامد صباغ به آچار فرانسه معروف است. هم خودش اهل کار فنی است و هم با همسایه ها ارتباط خوبی دارد و از دیگران کمک می گیرد. تسویه دادن هم برای او امری کاملاً عادی است و یک حساب دقتی بلند بالا پشت دخل مغازه اش دارد که بعضی از آن حساب ها که چند میلیون را هم رد کرده است، به سال ۱۳۹۹ بر می گردد. به واسطه اعتباری که در محله دارد، کسی روی او را زمین نمی زند و این طوری واسطه کار راه اندازی برای دیگران می شود. او که در لبنیاتی اش به روی همه باز است، می گوید: بچه محل ها حساب برادر را دارند؛ از کمک کردن در تعمیر خانه و ماشین بگیرند تا برگزار کردن هر نوع مراسمی. صحبت به تسویه دادن می رسد، آن هم در دوره ای که تورم روز شمار است. اما محسن آقامی گوید: وقتی همسایه مان را می شناسیم که گرفتار است، می شود ماست و پنیرش را با او حساب کنیم؟ یا کسی که مجلس دارد و حسابش خالی است، می زنیم به حسابش تا آن شاء... روزی وضعیت خوب شود. بعضی حساب ها هیچ وقت صاف نمی شود و ما هم می دانیم، اما معتقدیم خدای روزی رسان است.



همسایه به همسایه

● آشپزی مجالس با آقامهدی

مهدی ربانی را صباغ معرفی می کند و می گوید: اگر کسی از همسایه ها برای مجلسش دنبال آشپز باشد، سراغ مهدی آقا می رود و او بدون مزد و منت آن را انجام می دهد.

مهدی ربانی، همسایه همیشه خندان این کوچه، می گوید: ما از بچگی کنار هم بزرگ شده ایم و باید به درد هم بخوریم. من آشپزی بلدم و هر کس مجلسی داشته باشد، کمک می کنم. در این محل کسی دغدغه مراسم عزا و عروسی ندارد.

او دل بستگی اش به محله را این طور تعریف می کند: یک سال خانه را دادیم اجاره و رفتیم سمت آب و برق خانه گرفتیم. مادر مریض شد و وقتی بردیمش دکتر، تشخیص این بود که چون از محله خود مان دور شده، مریض شده است. ما هم خانه مان را بازسازی کردیم و برگشتیم به همین جایی که دل و جانمان به آن تعلق دارد. چرا؟ چون همسایه ها هوای هم را دارند.

ربانی یکی از رسوم جالب محله شان را بیان می کند و می گوید: اینجا هر کس که نیازمند است، سهم نان دارد؛ روزی پنج تا! خیرهای محل پول می دهند به نانوائی و حاج آقای افخمی، بزرگ محله، به نیازمندی که می شناسد، کارتی می دهد که نشان را را یگان بگیرند. این کار در محله ما سال ها است رواج دارد.

● آقا غلامرضا پرچم امام حسین (ع) را بالا می برد

وقتی می گوئیم هر کاری را در این محل بچه های کوچه وحدت ۱۳ انجام می دهند، بیراه نمی گوئیم.

ربانی، غلامرضا اسماعیلی مقدم را معرفی می کند و می گوید: مجلس گرم کن امام حسین^(ع) هم داریم. آقا غلامرضا مداح است و هر جا لازم باشد، دم گرمش مجلس را به شور می آورد. اسماعیلی مقدم می گوید: شغل من راننده کامیون است، اما در کنارش برای دلم مداحی هم می کنم. به جز هیئت خود مان، هر کدام از همسایه ها که مجلس داشته باشند، عزاداری ائمه^(ع) باشد یا مراسم ترخیم عزیزانشان، فرقی ندارد؛ یاد گرفته ام هر وقت کسی نبود که نوحه بخواند، پرچم امام حسین^(ع) را ببرم بالا.

او که به جز همسایه هایش برای دیگران هم مداحی می کند، می گوید: یک بار رفته بودم میامی برای زیارت. پیرمرد ساداتی که مسئول هیئت بود، با نازاحتی می گفت: مداحان نیامده... من به او گفتم سید، نازاحتی ندارد، من هم این کار را از دستم می آید، نوحه خوان امام حسینم. و شروع کردم به مداحی!

